



## بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی - 17 / مهر / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.  
السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين ( عليه السلام).

خیلی خوش آمدید عزیزان من، جوانان ما و امیدهای آینده‌ی کشور. خوشحالم که امسال هم خدای متعال توفیق داد و توانستیم این جلسه را تشکیل بدهیم و با شما باشیم و از شما بشنویم. مطالبی که [دوستان] گفتند بسیار خوب بود؛ یعنی ارزیابی من نسبت به این سخنرانی‌ها این است؛ نکات قابل توجهی در بیاناتشان بود که ممکن است بنده با بعضی از بخش‌هایش موافق نباشم، اما اینکه جوان ما می‌نشیند در یک موضوعی که برایش مهم است فکر میکند و درباره‌ی آن حرف و مطلب تولید میکند و بعد با ادبیات بسیار خوبی این مطلب را بیان میکند، برای من بسیار لذت‌بخش است؛ واقعاً وقتی انسان نگاه میکند و این جوانها را با این خصوصیات میبیند، لذت میبرد. این را بدانید، اگر میشد که همه‌ی شما - این جمعیتی که هستید - یکی یکی حرف میزدید و من گوش میکردم، من این کار را میکردم منتها خب متأسفانه عملی نیست. حرفها، بسیار خوب بود.

خب دوستان چند مطلب گفتند که باید پیگیری بشود؛ من به دفترمان، به دوستانی که در دفتر مسئولند سفارش میکنم که اینها را پیگیری کنند. پیگیری ما هم به صورت دستور نیست که من به دستگاه‌ها دستور بدهم؛ دستگاه‌ها مسئولیت دارند، مأموریت دارند و باید کار خودشان را انجام بدهند؛ دستور دادن، کار ما نیست لکن توصیه میکنم، راهنمایی میکنم، تأکید میکنم و پیگیری میکنم تا ان شاء الله این کارها انجام بگیرد. یکی دو مطلب راجع به مسائل وزارت بهداشت بود، ان شاء الله دنبال کنند؛ یک مطلب مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی بود که دبیر محترم شورای عالی (۲) اینجا حضور دارند و مسئله‌ی امضا کردن آن مصوبات را حتماً دنبال کنند؛ یکی مسئله‌ی امضا کردن مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش بود که وزیر محترم (۳) اینجا هستند، حتماً دنبال کنند؛ یک مسئله، مسئله‌ی واکسن هپاتیت بود که الان این جوان عزیز گفتند، این را حتماً پیگیری کنند و پیگیری‌های دیگر را هم ما ان شاء الله دنبال میکنیم که انجام بگیرد.

عزیزان من! آنچه مهم است این است که این پیشرفت علمی که در کشور از حدود دو دهه‌ی قبل به این طرف شروع شده، ادامه پیدا کند. ما در برخی از رشته‌های علمی نوپا در رتبه‌های بالای جهان هستیم؛ [یعنی] رتبه‌های زیر ده، رتبه‌ی پنجم، ششم. خب اینها خیلی افتخارآمیز است لکن این ما را به هیچ وجه قانع نمیکند. حالا در نانو، در زیست‌فناوری، در بعضی از چیزهای دیگر ما جلو هستیم [اما] این کافی نیست؛ حرکت علمی در دنیا یک حرکت پُرشتابی است، ما هم عقب‌ماندگی‌های بسیار متراکمی از سابق داریم، لذا بایستی این شتابی که در پیشرفت علمی هست ادامه پیدا کند. البته تا الان خوب کار شده؛ در این شانزده، هفده سالی که در این زمینه‌ها دنبال میکنیم و مشغول هستیم و سرگرم این کار هستیم، انسان مشاهده میکند که هم علم پیشرفت کرده، هم فناوری‌های برخاسته‌ی از علم پیشرفت کرده، هم آن چرخه‌ای را که من چند بار در جلسات گفته‌ام (۴) - [یعنی] چرخه‌ی تولید ثروت که تجاری‌سازی در آن هست - پیشرفت کرده. دیروز ما اینجا یک نمایشگاهی داشتیم، (۵) من رفتم دو ساعتی در این نمایشگاه کارهایی را که انجام داده‌اند نگاه کردم. من شوق و اعتماد به نفس و خودباوری را، هم در



حرفهای [مسئولین] این شرکتهای دانش‌بنیانی که دیروز اینجا حضور داشتند دیدم، هم در حرکاتشان دیدم، هم در عملی که انجام داده بودند مشاهده کردم؛ این خیلی چیز مبارکی است. هم شوق دارند، هم اعتماد به نفس دارند؛ معتقدند میتوانند، معتقدند پیش خواهند رفت و انگیزه دارند برای پیشرفت. اینها البته سی شرکت بودند از چند هزار شرکت دانش‌بنیانی که وجود دارد؛ حالا به ما آمار میدهند حدود چهار هزار و خرده‌ای شرکت دانش‌بنیان [وجود دارد]؛ کم است. این چهار هزار [شرکت] در کشور در طول یک مدت محدود و مشخص حداقل باید برسد به چهارصد هزار [شرکت] یا بیشتر. البته شرایطی دارد، خصوصیاتش دارد که من به بعضی‌اش اشاره خواهم کرد.

اولاً بایستی زیرساخت‌های قانونی این شرکتهای دانش‌بنیان فراهم بشود؛ الان بسیاری از زیرساخت‌های قانونی اینها مشخص نیست که در بعضی از صحبت‌های دوستان هم این معنا بود. این کار، کار دولت و مجلس و مسئولین ذی‌ربط است؛ بنشینند مشخص کنند و به تعبیر این برادری که اینجا صحبت کردند مثلاً شرکت سودمحور و شرکت وظیفه‌محور را از هم تفکیک کنند، مشخص کنند که چه کاری بنا است انجام بگیرد و حدود و ثغورش مشخص بشود.

[ثانیاً] موانع را بر طرف کنند که بعضی از موانع را گفتند. اتفاقاً همین موضوع «شش‌ماه» را که یکی از این دوستان گفتند، دیروز اینجا به من گفته شد؛ یکی از این شرکتهای دانش‌بنیان گفتند که ما این محصول را - که یک محصول خیلی برجسته‌ی خوبی بود - در ظرف هشت ماه ساخته‌ایم که بسیار مدت کوتاهی است برای [ساخت] این محصول؛ شش ماه طول کشید که مجوز گرفتیم! یعنی مجوزی که مثلاً در ظرف یک هفته بایستی صادر بشود، شش ماه طول میکشد؛ اینها باید برداشته بشود. موانع کسب و کار اینها است، اصلاح فضای کسب و کار که بنده مکرراً تأکید کرده‌ام بر روی آن، یعنی اینکه موانع کار برداشته بشود، موازی‌کاری‌های غلط انجام نگیرد. البته انحصار هم بایستی برداشته بشود که در صحبت‌های دوستان هم مسئله‌ی انحصار بود.

خب، چند نکته را من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض کنم: یکی این است که ما یک سند راهبردی امور نخبگان داریم که مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است، سندی بسیار خوب و مهمی است؛ این سند باید بجد تحقق پیدا کند، یعنی به این سند عمل بشود. تا الان به بخشی از این سند مهم عمل شده [اما] به همه‌ی آن عمل نشده. اگر این سند به طور کامل مورد عمل قرار بگیرد، بسیاری از این مشکلاتی که گفته شد در زمینه‌ی پیشرفت علم، در زمینه‌ی تجاری‌سازی محصولات علمی و فناوری و بقیه‌ی مشکلات، برطرف خواهد شد. هم بایستی بنیاد نخبگان به این سند بپردازند، هم من اینجا میگویم که شورای عالی انقلاب فرهنگی باید مطالبه کند؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی یک شورای برجسته است؛ یعنی رؤسای سه قوه در این شورا حضور دارند، چندین وزیر و شخصیت‌های حقیقی و کارآمد در این شورا هستند؛ باید مطالبه کنند، باید بخواهند که این سند تحقق پیدا کند. به نظر ما بسیاری از این مشکلات، بر اثر اجرائی نشدن این سند است. البته از این سند، چند سالی گذشته؛ باید به‌روزرسانی هم بشود؛ امروز با توجه به کسب و کارهای جدیدی که تحقق پیدا کرده و پیشرفتهای علمی‌ای که در دنیا به وجود آمده و در کشور ما هم تا حدود زیادی تحقق پیدا کرده، حتماً این سند یک به‌روزرسانی‌ای لازم دارد؛ باید نوسازی و تازه‌سازی بشود.

نکته‌ی دوم؛ متأسفانه یک جریانی در کشور وجود دارد که با پدیده‌ی جنبش علمی با بددلی برخورد میکند؛ این جریان هست. اینکه من به شما دارم عرض میکنم برای این است که خود شما که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این جریان



علمی هستید، توجه داشته باشید که در مقابل شما یک جریان بددلانه‌ای، بدخواهانه‌ای وجود دارد؛ شما مایوس نشوید؛ حرف من این است. یکی از کارهای آن جریانی که من تعبیر میکنم از آن به بددل یا بدخواه حرکت علمی، این است که اصل جنبش علمی را انکار میکند، اصلاً گویی که چنین چیزی نیست. من در یک جلسه‌ای که چند ماه قبل بود، قضیه‌ی آن دانشگاه استنفورد را اینجا مطرح کردم، گفتم (۶) که تصمیم دارند، اصرار دارند که بگویند: «نخیر هیچ اتفاقی نیفتاده»؛ در حالی که شما دارید اتفاق را جلوی چشم خودتان می‌بینید، خودتان در حال حرکت علمی و پیشرفت علمی هستید؛ اینها انکار میکنند، میگویند چنین چیزی نیست. اینکه شما میگویید حلقه‌ی واسطی بین دانشگاه و مردم به وجود بیاید - که یکی از دوستان الان اینجا گفتند - حالا ما اینجا داریم مدام اصرار میکنیم که «کار علمی، پیشرفت علمی، جهش علمی شروع شده» - که واقعیت هم هست - یک عده هم میگویند: «نخیر اتفاقی نیفتاده» که آن عده هم متأسفانه از داخل دانشگاه این حرکت بدخواهانه را دنبال میکنند، خب مردم دچار تردید میشوند. پس بنابراین یکی از کارهای آنها انکار است.

بعد، یکی از کارهای بدشان دلالتی جابه‌جا کردن نخبه‌های کشور است که این کار هم دارد انجام میگیرد. نخبه را از ماندن در داخل دلسرد کنند که «چرا میمانی، بی خود خودت را معطل میکنی، عمرت را تلف میکنی»، در حالی که او مال اینجا است، پاره‌ی تن اینجا است، با رشد کشور، او رشد میکند؛ با رشد او، کشور رشد میکند؛ او وظیفه‌اش را انجام میدهد؛ این را از ماندن در اینجا مایوس کنند و حالا به یک جلوه‌ای در خارج - یا پولی یا غیر پولی یا حتی موهوم - او را جابه‌جا کنند که از این دانشگاه برود به جای دیگر؛ این هم از کارهایی است که الان دارد انجام میگیرد. وظیفه‌ی وزارت علوم و وزارت بهداشت است که از دانشگاه‌ها مراقبت کنند، پاکسازی کنند. جوانان را ناامید میکنند، بعد که به آنها اعتراض میشود، میگویند: «خبرهایی که به فلانی و به مقامات و به سطوح مسئولین عالی کشور میرسد، خبرهای یک‌جانبه است، فقط جهات مثبت را به اینها میگویند، جهات منفی را نمیگویند»؛ جهات منفی چیست؟ مثلاً فرض کنید سرقت‌های علمی یا مثلاً بی‌کیفیتی بسیاری از مقالات. چرا، میگویند؛ لازم هم نیست، ما خودمان میدانیم؛ خیلی از این آسیب‌های گوناگون را در سخنرانی‌های با دانشجویها و با مجموعه‌های علمی و دانشگاه‌ها خود من گفته‌ام. بحث کمبود کیفیت، بحث همین مسئله‌ی سرقت‌های علمی، بحث علم غیر نافع، اینها اشکالاتی است که خود ما زودتر از آنها گفته‌ایم، بیشتر از آنها میدانیم اما جنبه‌های مثبت را وقتی انسان نگاه میکند بمراتب راجح (۷) از این جنبه‌های منفی میبیند. بله این جنبه‌های منفی هم هست، ما مشکلات داریم، الان همین جوانهای خود ما آمدند تعدادی از این مشکلات را گفتند. از این قبیل حرف خیلی به مسئولین میرسد، این جور نیست که نرسد لکن حقیقت قضیه، واقعیت قضیه، جریان اصلی کشور، جریان مثبت و مطلوب و جریان خوبی است.

ما امروز در علم کجا هستیم، بیست سال پیش کجا بودیم؟ خیلی تفاوت کرده. البته من آمارهایی هم دارم، حالا شاید اگر رسیدم مقداری هم بگویم. این از هنرهای انقلاب است؛ انقلاب در کشور این هنر را به وجود آورد که به مرد و زن کشور، به جوان و پیر کشور جرئت داد که وارد سرزمین‌های دشوار بشوند. این جرئت امروز وجود دارد، جوان ما با جرئت تمام وارد یک حوزه‌ی علمی دشوار و پیچیده میشود، کارهای مهمی انجام میدهد، دیگران - حتی دشمنان - این کارهای مهم را تحسین میکنند. من یادم هست چند سال قبل از این - البته این اواخر هم بوده که حالا دیگر نمیخواهم این اواخر را مثال بزنم - یک نویسنده، یک دانشمند صهیونیست [درباره‌ی] یک موشکی که آن وقت ما آزمایش کرده بودیم، در یک نشریه‌ی صهیونیستی یک چیزی نوشته بود که برای من عین مقاله را آوردند؛ نوشته بود که من با ایران دشمنم اما در مقابل این مردی که این موشک را ساخته سر تعظیم فرود می‌آورم؛ اینها با وجود

تحریم، با وجود این همه مشکلات، بسته‌بودن درهای مراودات علمی، با وجود همه‌ی اینها یک چنین شاهکاری را درست کرده‌اند؛ این قضاوت دشمنان ما است که انکار واضحات میکنند.

آنچه حالا من اینجا یادداشت کرده‌ام [این است که] بیش از دویست محقق و دانشمند ایرانی جزو یک درصد دانشمندان برتر دنیا هستند؛ اینها افتخارآمیز است. البته زمینه، استعداد، ظرفیت، چندین برابر این [چیزی] است که حالا تا امروز اینجا آمده. یقیناً پنج سال دیگر خیلی بیشتر از این خواهد شد، ده سال دیگر چندین برابر این خواهد شد. ببینید! این یک آمار مهمی است: رشد مقالات پُر ارجاع دانشمندان ایرانی - نه یک مقاله‌ی صرف - مقالاتی که در دنیا به آن زیاد ارجاع [داده] میشود، در سال ۲۰۱۰، ۷۸ مقاله بوده، در سال ۲۰۱۸ به ۴۶۱ مقاله رسیده؛ [یعنی] چند برابر در طول چند سال. اینها چیزهای مهمی است که انکار میکنند. ما تقریباً یک درصد جمعیت جهان را داریم، یک درصد جغرافیای دنیای معمور (۸) را هم داریم، اما تولید علم ما نزدیک به دو درصد دنیا است، یعنی دو برابر آنچه انتظار میشود از کشور، تولید علمی داریم. بالاخره از ظرفیت دانش تا امروز برای پیشبرد کشور هم استفاده شده، حالا چند مورد را من اینجا یادداشت کرده‌ام که فقط اینها نمونه است، البته خیلی بیش از اینها است: بالا بردن قدرت دفاعی کشور که از علم استفاده شده؛ پزشکی پیشرفته و درمان که امروز پزشکی ما کاملاً در منطقه ممتاز است؛ کنترل بیماری‌ها؛ در مسائل فنی و مهندسی، [یعنی] در ساختها و کارهای بزرگ مهندسی که امروز در کشور انجام میگیرد؛ در زیست‌فناوری؛ در تولید محصولات بادوام با فناوری نانو؛ در فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و موارد متعدّد دیگر. ما امروز توانسته‌ایم علم را در خدمت منافع کشور و پیشرفتهای کشور، در این زمینه‌هایی که گفتم و شاید چنده زمینه‌ی دیگر به کار بگیریم؛ اینها همه از برکات جمهوری اسلامی است.

این هم یک نکته که خواستم عرض بکنم که این جریان بددل و نمیدانم به چه دلیل مخالف با این حرکت علمی - که البته انسان حدس میزند اما نمیتوانیم ادعای یقین بکنیم - این جور انکار میکنند، تخریب میکنند، تا بتوانند مانع‌تراشی میکنند، مشکلات درست میکنند. مدتی پیش به من گزارش داده‌اند که برخی از کارهای علمی مهم را که در یک مرکز حسّاس تصمیم‌گیری شروع میشود، به بهانه‌های مختلف متوقف میکنند؛ اینها باید برداشته بشود. البته مسئولیت به عهده‌ی رؤسای محترم مربوط است که امروز بعضی‌شان در اینجا تشریف دارند؛ و این را من به شماها میگویم برای اینکه شما حرکت خودتان را به طور پُرشوق، مضاعف، پُر قدرت در مقابل این حرکت انحرافی ادامه بدهید.

نکته‌ی بعدی؛ بنیاد نخبگان و همه‌ی نهادهای نخبگانی به علوم مختلفی میپردازند، من اصرار میکنم، تأکید میکنم به علوم انسانی هم بپردازند؛ به اقتصاد بپردازند، به حقوق بپردازند، به مدیریت بپردازند؛ ما به حضور نخبگانی در اینها احتیاج داریم. دیروز که من اینجا از نمایشگاه بازدید میکردم یک دستگاهی را ساخته بودند، سازنده‌ی دستگاه گفت: «این دستگاه فقط در آمریکا وجود دارد و غیر از آمریکا هیچ جای دنیا این دستگاه را ندارند، این را ما خودمان ساخته‌ایم»؛ خوب اینها مهم است؛ این جوان نخبه‌ای که میتواند در زمینه‌های فنی، مهندسی، این جور کار برجسته انجام بدهد - کارهایی که دیدیم و میدانیم و بعضی از مردم هم کارهای بسیار مهمی که انجام گرفته را نمیدانند - میتواند در زمینه‌ی مسائل اجتماعی کشور، در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور [هم]، فکر کند، راه ارائه بدهد.

برخی از مسائل کشور در زمینه‌های اقتصادی ناشی از کمبودهای تحقیق علمی است؛ جوانهای ما باید وارد بشوند. امروز مثلاً فرض کنید در زمینه‌ی مسائل اقتصاد، مسئله‌ی تورّم، مسئله‌ی کاهش قدرت پول ملی، مسئله‌ی اشتغال،



مسئله‌ی مسکن، در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، مسئله‌ی ازدواج، آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد و غیره، همه‌ی این مسائل، مسائلی است که با دانش نخبگانی، با حرکت نخبگانی جوانهای ما میتواند راه‌های حل بسیار خوبی پیدا کند. اگر این کار شد آن وقت پرورش اندام علمی کشور یک پرورش مناسبی خواهد بود، یک تناسب اندامی پیدا میکند؛ یعنی کار علم این جور نمیشود که در یک بخش پیشرفت فوق‌العاده‌ای بکند، در یک بخش ضعیف و لاغر و ناتوان باشد؛ نه، یک تناسب اندام پیدا میکند که اینک در نقشه‌ی علمی کشور این معنا رعایت شده. من باز هم تأکید میکنم روی مسئله‌ی نقشه‌ی علمی کشور که کار بسیار مهم و سند بسیار باارزشی است که انجام گرفته و دنبال آن باید بروند.

عزیزان من! یک نکته‌ی دیگر این است که علم، اگر جدای از فرهنگ صحیح بود، به خطا خواهد افتاد. یک علم پیچیده‌ی بسیار نافع، علم هسته‌ای است؛ چون با فرهنگ درست، فرهنگ انسان‌دوستی همراه نبود، [بلکه] همراه با فرهنگ غلط قدرت‌طلبی بود، به بمب هسته‌ای منتهی شد و امروز بمب هسته‌ای همچنان تهدید دنیا است، تهدید بشریت است؛ کما اینکه یک روزی این تهدید عملی شد، امروز هم همه‌ی دنیا از آن میترسند، ناامندند. ما قاطعانه، شجاعانه، با اینکه میتوانستیم در این راه قدم برداریم، طبق حکم اسلام گفتیم در این راه وارد نمیشویم؛ هم ساختنش غلط است، هم نگه داشتنش غلط است، چون به کار بردنش حرام است. انسان محصولی را بسازد که نمیتواند آن را به کار ببرد، باید همان جا بماند؛ یعنی قطعاً حرام است؛ یعنی اگر چنانچه ما یک وقتی سلاح هسته‌ای میداشتیم، معلوم بود که هرگز امکان نداشت در هیچ جا آن را به کار ببریم، چون طبق موازین اسلامی قطعاً حرام است، خب چیزی که حرام است، چرا انسان خرج کند بسازد؟ چرا خرج کند نگه دارد؟ چون نگهداری اش هم خیلی خرج دارد؛ اینهایی که دارند، هزینه‌ی زیادی مصرف میکنند فقط برای نگهداری اش. خب، ببینید! این علم بدون فرهنگ بود که صنعت بسیار مفید و حساس هسته‌ای را که بسیار صنعت مفیدی است برای بشریت، کشاندند در راه غیر صلح‌آمیز، در راه غلط که بمب هسته‌ای از درون آن در آمد. علم این جوری است که اگر چنانچه با فرهنگ درست، با مشی فکری درست همراه نباشد، چیز خطرناکی خواهد شد. ما به همین دلیل معتقدیم در مجموعه‌های نخبگانی، دین و ملیت - یعنی پایبندی جدی دینی و شرف جدی ملی - بایستی یجد دنبال‌گیری بشود. دانشمند ایرانی وقتی با فرهنگ اسلامی و ایرانی آمیخته است، آن وقت یک جزء حیاتی از حیات ملت است؛ در واقع به مجموعه‌ی ملت روح میبخشد، توان میبخشد.

ما نمیخواهیم دانشگاه ما تکرار و بازتولید فلان دانشگاه آمریکایی باشد؛ این را نمیخواهیم. علم را میخواهیم، شاگردی هم میکنیم، یاد میگیریم - یعنی از شاگردی کردن اصلاً ننگمان نمیکند - اما نمیخواهیم دانشگاه ما تکرار و بازتولید فلان دانشگاه آمریکایی در تهران یا در فلان شهر دیگر کشور باشد؛ نمیخواهیم همان فرهنگ، اینجا تقلید بشود. فضای علمی کشور باید فضای علمی ایرانی و اسلامی باشد. خوشبختانه الان همین جور هم هست؛ مجموعه‌های علمی پیشرفته‌ی برجسته را که انسان مشاهده میکند - مثل همینهایی که حالا در دهانها هست: سلولهای بنیادی، نانو، زیست‌فناوری، هسته‌ای، غیره - غالباً [این] مجموعه‌ها دارای انگیزه‌های دینی هستند. چون دین، حرکت علمی را جهاد میدانند دیگر؛ یک کار جهادی در واقع دارند انجام میدهند؛ این باید بر محیط علمی دانشگاه‌های کشور حاکم باشد. شرایط ما با شرایط آن کشوری که او هم یک دانشگاه پیشرفته‌ی برجسته‌ای دارد، متفاوت است. ما بایستی با فرهنگ خودمان، ایرانی زندگی کنیم، ایرانی باید بیندیشیم و فکر کنیم؛ و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را در زمینه‌ی مسائل علم هم حتماً بایستی رعایت بکنیم که این به نظر من بسیار مهم است. این را [هم] عرض بکنم که در تقلید از فرهنگ دانشگاه‌های برتر دنیا - دانشگاه‌های آمریکا، کانادا، جاهای



دیگر- اگر بخواهیم آنها را تکرار کنیم، نوزایی علمی هم از بین خواهد رفت؛ این را هم توجه داشته باشید. این نوآوری علمی و پیشرفت علمی و ابتکار علمی هم، با دنبال کردن راه این و آن از بین خواهد رفت.

نکته‌ی بعدی؛ یکی از کارهای مهمی که جامعه‌ی نخبگانی میتواند انجام بدهد، این است که در دیپلماسی عمومی نقش ایفا کند. یکی از دوستان هم اتفاقاً اینجا اشاره کردند در این سخنرانی‌شان که من هم اینجا یادداشت کردم: دیپلماسی عمومی. یعنی شما میتوانید نقش ایفا کنید در این زمینه‌ها. [مثلاً] گردآوردن نخبگان ایران فرهنگی بزرگ؛ یعنی قلمرو وسیع فرهنگ ایرانی در قرنهای گذشته که حالا یک مقداری فرق کرده. در این مجموعه‌ی فرهنگی که بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما را هم شامل میشود، ما بتوانیم نخبگان را گردآوری بکنیم. [یا مثلاً] گردآوری نخبگان منطقه‌ی غرب آسیا؛ در کشورهای دیگر اینجا هم نخبگان زیادی هستند. [یا مثلاً] گردآوری نخبگان جهان اسلام؛ گردآوری نخبگان محور مقاومت. امروز یک پدیده‌ای در همین منطقه‌ی ما و شمال آفریقا وجود دارد به عنوان محور مقاومت، اینها نخبگانی دارند؛ گردآوری اینها، ارتباط برقرار کردن با اینها؛ [یا] حتی گردآوری نخبه‌های حق جوی عالم در هر کشوری؛ در اروپا، در خود آمریکا، در جاهای دیگر، کسانی هستند که حق طلبند، حق جوی هستند، دنبال حرف درست و حرف حق میگردند، اگر بتوانید با آنها تعامل کنید و تفاهم کنید و ارتباط برقرار کنید حرفهای شما را هم قبول دارند میتوانید با اینها ارتباط برقرار کنید، آن وقت در این ارتباط و در نهادهایهایی که با این ارتباط صورت میگیرد، شما میتوانید دانش پاک و باشرف را، اندیشه‌ی درست را منتقل کنید.

ما به برکت اسلام یک راه سوّمی را به دنیا پیشنهاد کرده‌ایم؛ نه راه سوسیالیستی در اقتصاد و تبعات اقتصاد، نه راه لیبرال - دموکراسی غرب با تبعات و خصوصیات که دنبالش هست؛ یک راه سوّمی ما داریم، این راهی که امروز کشور ما دارد می‌رود، راه سوّمی است. البته ما در آرایه‌های گوناگون این راه یک قدری کندی کرده‌ایم، کوتاهی کرده‌ایم لکن وقت زیادی نیست. چهل سال، زمان زیادی برای حرکت یک نظام و رسیدن به یک تمدن نیست. کشورهای غربی که امروز مثلاً یک تمدن جاافتاده‌ای دارند، چهار قرن، پنج قرن، با مشکلات دست و پنجه نرم کردند؛ چهل سال، زمان زیادی نیست. ما کم کاری داریم در این زمینه‌ها، منتها میتوانیم این راه سوّم را درست معرفی کنیم، درست مشی کنیم، درست حرکت کنیم و با عمل خودمان، با سخن منطقی خودمان، دل‌هایی را جذب کنیم به این سمت، به این راه - نه حالا لزوماً به خودمان یا به کشور خودمان - به این حرکت عظیم مهمی که میتواند برای بشریت سودمند باشد و از نفوذ فرهنگ غربی که روزه‌روز دارد منحط‌تر میشود، نجات بدهیم کشورها را.

فرهنگ غربی از اوّل، مسیر غلطی را انتخاب کرد؛ اما از اوّل به این انحطاط نبود، از اوّل این جوری نبود. خیلی از مفاسد و بلیّاتی که امروز در فرهنگ غربی هست، صد سال پیش بلکه پنجاه سال پیش در کشورهای غربی وجود نداشت، بتدریج اینها را دائم اضافه کردند، وارد کردند. این چیزهایی که واقعاً انسان شرمش می‌آید درباره‌ی آنها حرف بزند، رواج منکر و تعطیل معروف، امروز در کشورهای غربی هست. [البته] این حرف ما نیست که ما مخالف آنها هستیم؛ خیلی از دانشمندان خودشان، خیلی از مصلحین خودشان، متفکرین خودشان اینها را میگویند، مینویسند؛ لکن یک جریان پُر قدرت سرمایه‌داری و قدرت طلب مخلوط صهیونیستی و استعماری و استکباری دارند پیش می‌برند این جریان را در آمریکا و به تبع آن در اروپا و در کشورهایی که تابع اینها هستند. ما اگر چنانچه بتوانیم درست عمل بکنیم، میتوانیم بسیاری از جوامع را از نفوذ این فرهنگ، از رسوخ این فرهنگ، از حاکمیت این فرهنگ نجات بدهیم.



نکته‌ی بعدی، ایجاد امید است. من جداً در این زمینه اصرار میکنم؛ هم به شما، هم به اساتید، هم به پیشروان حرکت علمی که نگذارید امیدی که به وجود آمده به پیشرفت علمی در کشور، خدای نکرده اختلال پیدا کند. این جور نباشد که ما مشکلات را به صورت یک طرفه و یک جانبه طرح کنیم، موفقیت‌های بزرگ را نبینیم. خب بله، در کشور مشکلات وجود دارد؛ بعضی‌ها خیال میکنند ما مشکلات را نمیدانیم؛ نه، ما مشکلات را خیلی بیشتر از خیلی‌ها میدانیم؛ مشکلات هست اما در کنار این مشکلات، موفقیت‌های بزرگی وجود دارد. وقتی که ما یک جانبه مشکلات را مطرح میکنیم، گاهی روی یک مشکل خاص که چندان هم مهم نیست مدام تکیه میکنیم، مدام تکرار میکنیم، مدام میگوییم، مدام مرثیه خوانی میکنیم، امید در دل جوان فرو می‌نشیند، امید کم فروغ میشود در دل جوانها؛ این غلط است. امروز کشور بحمدالله حرکت مهمی را دارد ادامه میدهد. ما در قبل از پیروزی انقلاب یک کشور راکد جامد دنباله‌رو بی‌تحزکی بودیم؛ کشورهای عقب افتاده، از ما همین طور جلو زدند، دستگاه‌های حاکم فاسد و وابسته‌ی به آمریکا کشور را نگه داشته بودند. خب این استعدادی که امروز شما در کشور می‌بینید، امروز که پدید نیامده؛ این استعداد ایرانی، یک چیز طبیعی است؛ چرا این همه تولید علم پیش از انقلاب نبود؟ چرا این همه حرکت علمی پیش از انقلاب نبود؟ حالا یک آماری به من دادند، من دیگر یادداشت نکردم که بگویم، چیز عجیب و غریبی است؛ تولید علمی در دانشگاه‌های کشور را - مثل دانشگاه تهران، دانشگاه شریف، دانشگاه شیراز - مشخص کرده‌اند که چند درصد آن مال قبل از انقلاب است، چند درصد مال بعد از انقلاب است؛ حیرت‌آور است. انقلاب و حرکت عظیم انقلابی کشور و حاکمیت تفکر انقلابی و اسلامی بود که کشور را حرکت داد و پیش برد؛ تا اینجا رسانده، به اوج هم ان شاءالله خواهد رساند، جهش‌هایی خواهیم داشت؛ ما هنوز اول راهیم. جوان با این امید باید حرکت کند؛ فرق میکند. کار علمی خب کار آسانی نیست، البته برای کسی که طالب علم است شوق‌انگیز است، اما کار سخت و دشواری است؛ پیشبرد کارها سخت است؛ این کار سخت اگر با امید همراه باشد پیش خواهد رفت.

البته یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال؛ *الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ*؛ (۹) وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی الهی را کردید، خدا با شما است. وقتی خدا با انسان است یعنی پیروزی با انسان است، موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است. من مؤکداً شما جوانها را - که الحمدالله شماها پاکید، شماها پیراسته هستید، هنوز گرفتار مشکلات امثال ماها نشدید - توصیه میکنم تا از این پاکی، از این صفا، از این نورانیت هر چه میتوانید استفاده کنید؛ خدای متعال را در دل خودتان، در ذهن خودتان، در عمل خودتان همواره همراه داشته باشید. ان شاءالله پیش خواهید رفت.

من چند سال پیش گفتم که باید پیشرفت ما جوری باشد که تا پنجاه سال بعد - که از آن پنجاه سال الان پنج شش سالش گذشته - اگر کسی خواست به تازه‌های علمی دنیا دست پیدا کند مجبور باشد فارسی یاد بگیرد؛ (۱۰) ما باید به اینجا برسیم؛ کما اینکه امروز اگر شما بخواهید تازه‌های علمی را به دست بیاورید مثلاً فرض کنید که مجبورید زبان انگلیسی بلد باشید؛ در بعضی زمینه‌ها مثل حقوق و مانند اینها من باب مثال باید زبان فرانسه بلد باشید؛ ما باید کار را به اینجا برسانیم، یعنی باید این قدر شما پیش بروید که به طور تقریبی تا آن مقطعی که بنده اشاره کردم، در آن مقطع هر کس در دنیا بخواهد تازه‌های علمی را در بخشهای مختلف به دست بیاورد، ناچار باشد زبان فارسی یاد بگیرد تا بتواند از نوشته‌های شماها استفاده کند. البته شماها جوانهای امروز، آن روز مسئولین کشور و جاافتاده‌های کشورید، اما باید شما زمینه را جوری فراهم کنید که جوانهای ۲۰ سال بعد و جوانهای ۲۵ سال بعد که بچه‌های امروز شما هستند - البته آنهایی که بچه دارید و ازدواج کرده‌اید - ان شاءالله بتوانند بهترین کار را انجام دهند. امیدوارم ان شاءالله خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد.



والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار آقای سورنا ستاری ( معاون علمی و فتاوری رئیس جمهور) گزارشی ارائه کرد و دوازده تن از نخبگان و محققان رشته‌های مختلف به بیان نقطه نظرات خود پرداختند.
- ۲) حجت الاسلام سیدسعیدرضا عاملی
- ۳) محسن حاجی میرزایی
- ۴) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور ( ۱۳۸۳/۱۲/۰۵ )
- ۵) بازدید از نمایشگاه شرکتهای دانش بنیان و فتاوری‌های برتر ( ۱۳۹۸/۷/۱۶ )
- ۶) بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ( ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ )
- ۷) برتر
- ۸) آبادشده
- ۹) از جمله، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۲۸؛ «... فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»
- ۱۰) از جمله، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ( ۱۳۹۲/۰۷/۱۷ )